



ما هاتیر که منشی مالزی قلمداد می‌شود، از سال ۱۹۸۰ که نخست وزیر شد، یک برنامه‌ای تا سال ۲۰۲۰ در نظر گرفت و خیلی خوب هم امور را پیش برد. امروز مالزی به یکی از اقتصادهای خوب دنیا تبدیل شده است. او یک کتاب خاطراتی دارد که یک جمله خوب و پرمعنا در کتاب آورده است که می‌گوید «اگر من در اجرای برنامه‌های خود موفق بودم، به خاطر این بود که منافع مردم را فدای رضایت مردم نکردم.» در حالی که طی این ۴۰ سال ما برعکس این گفته عمل کرده‌ایم.

مسئله بعدی، اقتصاد است. هنوز هم از برخی بی‌رسیم که اقتصاد اسلامی چیست، می‌گویند که نه لیبرالیستی است، نه مارکسیستی و نه کاپیتالیستی. بخش خصوصی تا می‌خواهد قدرت گیرد، مانع‌تراشی‌ها شروع می‌شود در حالی که بخش خصوصی پاک‌دست را باید تقویت کرد. در دنیا ثابت شده است که دولت نباید کار اقتصادی کند. دولت‌هایی مثل دولت‌های کمونیستی، مارکسیستی و سوسیالیستی که کارهای اقتصادی می‌کردند، همه به تاریخ پیوستند. چین هم که دارد اینطور تیک‌آف می‌کند، مسئولانش می‌گویند که ما سوسیالیستی از نوع چینی‌اش را داریم اجرا می‌کنیم. این رویکرد آنها یعنی سوسیالیست بی سوسیالیست! چین بخش خصوصی خود را تقویت و پیشرفت کرده است، اگر کسی پولدار شود از او استقبال و حمایت می‌کنند. متأسفانه یک سری نگرش‌های چپ‌روانه در اقتصاد کلان ما در ذهن برخی مسئولان وجود دارد. در سال ۱۳۸۴ رهبری سیاست‌های اصل ۴۴ را برای خصوصی‌سازی ابلاغ کردند. ما این

مسئله را پیش بردیم اما در برخی مواقع، نامنظم گام برداشتیم. از جمله اینکه به جای خصوصی‌سازی، امور را به یک سری شرکت خصولتی واگذار کردیم. ما یک شتر مرغ درست کردیم که اگر بگوییم بار ببرد، می‌گوید من مرغ هستم و اگر بگوییم پیر، می‌گوید من شتر هستم. مالک برخی از شرکت‌های بزرگ خصولتی، معلوم نیست که چه کسی است و انتهای آن به دولت برمی‌گردد. مثلاً شرکت‌های صنعتی مثل گل‌گهر، فولاد مبارکه، چادرملو و مس، خصوصی و خصولتی هستند اما مدیرشان را وزیر تعیین می‌کند. یک سری بنگاه‌های خصولتی شکل گرفته است که نه حساب پس می‌دهند و نه کار درست انجام می‌دهند و صاحب سرمایه بالای کار است. یک نفر مدیر می‌شود و بعد از ۴ سال هم اگر موفق نبود یا می‌گوید من تکلیف شرعی ندارم یا عزلش می‌کنند اما بخش خصوصی ذره ذره مواظب سرمایه خودش است. سرمایه مثل یک آهوی تشنه و گرسنه است، جایی می‌رود که هم بتواند بچرخد و هم امنیت داشته باشد و اگر مشکلی پیش بیاید فرار می‌کند. باید هوای سرمایه را داشت تا این سرمایه کار کند و بچرخد. در این صورت هم اشتغال ایجاد می‌کند، هم مالیات به دولت می‌دهد و هم باعث توسعه می‌شود. در چین، ظرف ۳۵ سال گذشته، درآمد سرانه مردم چین ۱۲۰ دلار در سال بوده است و الان ۱۲ هزار دلار یعنی ۱۰۰ برابر شده است. تولید ناخالص مردم چین ۱۸ هزار میلیارد دلار بوده و این در حالی است که تولید ناخالص داخلی ما نزدیک به ۶۰۰ هزار میلیارد دلار است. آنها زحمت کشیدند و همین الان هم روزی ۲ شیفت کار